

## The Missing and Transitional Justice: the Right to Know and Fight against Impunity

مفقودین و عدالت انتقالی: حق آگاهی و مبارزه با بی‌کیفری<sup>۱</sup>

مونیکا کرتول و آن‌ماری لارزا\*

مونیکا کرتول مشاور آژانس مرکزی جستجو و بخش حمایت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌باشد. آن‌ماری لارزا، مشاور حقوقی اداره مشورتی حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و نیز استاد حقوق جزای بین‌المللی در مرکز دانشگاهی حقوق بین‌المللی بشردوستانه (UCIHL) در ژنو می‌باشد.

### چکیده

هر فرد یا نهادی که به موضوع افراد گمشده می‌پردازد به طریقی بر فرآیند عدالت انتقالی تاثیر گذاشته و متقابلاً از آن تاثیر می‌پذیرد، تنها در صورتی که امکان تبادل اطلاعات جمع‌آوری شده مربوطه وجود داشته باشد. مساله زمانی حساس‌تر می‌شود که دادگاههای بین‌المللی در عرصه ملی که محل اجرای ساز و کارهای عدالت انتقالی می‌باشد، دخالت می‌کنند. نویسندگان شیوه‌هایی را مد نظر دارند که در آنها ساز و کارهای عدالت انتقالی امکان حمایت از حق خانواده‌ها نسبت به آگاهی از سرنوشت بستگانشان و چگونگی عملکرد لازم برای برقراری آشتی میان حل مساله‌ی افراد گمشده و مبارزه‌ی کارآمد با بی‌کیفری را دارد.

### تعریف و ارتباط با عدالت انتقالی

مفقودین - همانطور که در این مقاله اشاره شده - تمامی افراد ناپدید شده در نتیجه‌ی یک مخاصمه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی و یا خشونت داخلی می‌باشند.<sup>۲</sup> تقریباً تمامی افراد تحت این وضعیت، ناپدید شده و سرنوشت و مکان آنها به دلایل مختلفی نامعلوم می‌گردد.

<sup>۱</sup> برگردان به فارسی: مژگان عطار

\* این مقاله صرفاً بازتاب دیدگاههای نویسنده می‌باشد و نه لزوماً کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

<sup>۲</sup> یکی از شماره‌های International Review of the Red Cross به موضوع مفقودین اختصاص داده شده است. بنگرید به:

این افراد ممکن است بازداشت یا ربوده شده باشند و یا در توقیف یا در طی یک کشتار دسته‌جمعی کشته شده باشند. همچنین احتمال دارد که در جایی بدون اجازه ارتباط با خارج و یا در محلی مخفی برای مدت زمانی طولانی حبس شده باشند یا امکان دارد به طور ناخواسته توسط طرفهای درگیری و یا خواسته و عامدانه از سوی طرفهای مخاصمه از سایرین جدا شده باشند. آنها ممکن است اعضای نیروها و یا گروههای مسلح با سرنوشتی نامعلوم (گمشدگی عملی)، یا پناهندگان یا افراد بی‌خانمان بدون هر گونه وسیله ارتباطی، بچه‌های جدا شده از خانواده‌هایشان حین فرار از درگیری یا از طریق سربازگیری اجباری، توقیف اجباری و حتی اختیاری باشند و یا افرادی که مرده‌اند و مشخصات و هویت آنها ثبت نشده است.

بی‌اطلاعی از مکان و سرنوشت این افراد، خانواده‌های بسیاری را با رنج بلاتکلیفی تا سالها پس از فروکش کردن درگیری مواجه می‌کند. آنها با ناامیدی و از روی درماندگی به جستجو برای کسب اطلاعات می‌پردازند تا یقین پیدا کنند که بستگان آنها زنده یا مرده‌اند. این بلاتکلیفی باعث می‌شود که آنها بدون وقفه تا زمان دستیابی به پاسخی جستجو را ادامه دهند. به علاوه دست و پنجه نرم کردن با مشکلات روانی، اقتصادی، اجتماعی و مسائل قانونی که غالباً مورد بی‌توجهی و یا انکار قرار می‌گیرند، آثار دردناک نبود عزیزان آنها را تشدید می‌کند. به عنوان مثال، بسیاری از گمشدگان را مردان تشکیل می‌دهند که اغلب تنها نان‌آور خانه و صاحب حساب و مالک اموال می‌باشند. در نتیجه خانواده آنها بدون منبع درآمد رها شده‌است. وضعیتی که به سختی تسکین می‌یابد. نه تنها افراد گمشده باید قربانی تلقی گردند، بلکه در معنایی گسترده‌تر، تمامی اعضای خانواده‌های آنان نیز، باید قربانی شناخته شوند.<sup>۳</sup>

چنین وضعیتی قطعاً اثر مستقیمی بر سایرین نیز دارد. این مساله کل جامعه و توانایی آن در جوابگویی به گذشته، پایان بخشیدن به جنگ و یا خشونت که در آن به سر می‌برند و

به ویژه صفحه ۸۲۳

<sup>۳</sup> گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «گمشدگان و خانواده‌های آنان: خلاصه نتایج حاصله از وقایع رخ داده قبل از کنفرانس بین‌المللی کارشناسان دولتی و غیر دولتی (19-21 February 2003)، صفحه ۱۱، قابل دسترسی در (<http://www.icrc.org>).

تضمین صلح پایدار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>4</sup> همانگونه که در اهداف کمیسیون آشتی و حقیقت‌یاب آفریقای جنوبی ذکر شد، شناسایی و آگاه شدن از سرنوشت و محل قربانیان، یکی از روشهای دستیابی به اتحاد و آشتی ملی می‌باشد.

یک روند چند بعدی از عدالت انتقالی با هدف ارزیابی دوران خشونت بار گذشته، به منظور باز کردن راهی به سوی صلح، دموکراسی و احترام به حقوق بشر، باید موضوع افراد گمشده را در ارتباط با جامعه به خوبی مد نظر قرار دهد. چرا که این‌ها، بیشترین موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را تشکیل می‌دهند.

متأسفانه طی عملیات جنگی و مراحل انتقال، طرفهای جنگ، از این مساله بهره‌برداری و سوءاستفاده می‌نمایند. بعضی از مواقع جهت اعمال فشار بر دشمن از طریق در غفلت و مضیقه گذاشتن اتباع دشمن برای اجتناب از انتقادات وارده از جانب اتباع خود به دلیل ضررها و آسیبهای وارده و یا جهت حفظ دشمنی و خصومت با طرف مخاصمه و طرد نژاد و قومیت آن، از ارائه اطلاعات راجع به گمشده‌ها خودداری می‌شود یا اطلاعات به طور مخدوش و دستکاری شده ارائه می‌گردند.

رهبران که قدرت آنها بر مبنای عداوت با ملت دیگر قرار دارد انگیزه‌ای برای خودداری از ارائه پاسخهای شفاف دارند. به علاوه، پس از پایان جنگ، بسیاری از رهبران که نقش اصلی و عمده‌ای در زنده نگه داشتن جنگ بازی می‌کردند اغلب به عنوان چهره‌های برجسته در روند نهایی صلح باقی می‌مانند، وضعیتی که حل پرونده‌های مفقودین را مشکل می‌کند.

هنگامیکه جوامع در حال انتقال به اهمیت موضوع افراد گمشده پی بردند، نیاز به اینکه چگونه می‌توان این موضوع را به بهترین شکل مد نظر قرار داد، بسیار برجسته می‌شود. در تمامی پرونده‌ها، پی بردن به اینکه آیا فرد گمشده مرده یا زنده‌است، نیازمند طی مراحل جهت جمع‌آوری اطلاعات مرتبط است. بدین منظور انواع مختلف نهادها باید سازمان‌دهی و تشکیل شوند. در بعضی پرونده‌ها مقامات داخلی ترجیح می‌دهند ساز و کارهایی ایجاد نمایند که کارشان بر شفاف‌سازی سرنوشت اشخاص گمشده متمرکز شده باشد. به عنوان نمونه، در

---

<sup>4</sup> بنگرید به قانون ارتقاء وحدت و آشتی ملی آفریقای جنوبی (c) S.3(1) و

سالهای اخیر، دو گروه کاری چند جانبه ویژه‌ی افراد گمشده جهت جستجوی این افراد در ارتباط با مخاصمات کوزوو و بوسنی و آگاه کردن خانواده‌های این افراد از سرنوشت آنان تاسیس شد. این گروه‌های کاری ممکن است مسائل حقوقی و اداری این خانواده‌ها را نیز بررسی کنند. هر دو ساز و کار فوق‌الذکر در چهارچوب روند صلح سازماندهی شدند، که نمایندگانی از تمامی طرف‌ها را در بر می‌گیرد که مطابق با موازین حقوق بشردوستانه باید تمام اقدامات لازم برای توانمند ساختن خانواده‌ها نسبت به احقاق حق آگاهی از سرنوشت بستگانشان را انجام دهند. به ویژه، باید تمام اقدامات ممکن در رابطه با مفقودین را به عمل آورند که مردگان را قبل از آنکه اجسادشان سر به نیست شود، شناسایی کرده و مقامات مربوطه و خانواده‌های آنها را از هویت افراد متوفی و محل اجساد آنها مطلع کنند. به این منظور، به ادارات و مراکز نظامی مربوط (پلیس، نیروهای مسلح و امثالهم) باید دستور داده شود که تمام اطلاعات مرتبط برای گروه‌های کاری را تهیه و با آنها همکاری کنند. هر دو گروه کاری توسط کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و در راستای اختیارات و ظرفیت آن، به عنوان یک میانجی بی‌طرف که توسط همه طرف‌ها پذیرفته شده است، منصوب می‌شوند. شناسایی طرف‌ها یا افراد مسوول توقیف، فوت یا ناپدید شدگی افراد گمشده یا جمع‌آوری مدارک مربوط به آن، جزو وظایف این دو گروه کاری نمی‌باشد و به تمام مسائل مربوط به رسیدگی‌های قضایی باید کاملاً جدا از گروه‌های کاری پرداخته شود.

تصویب قانون مفقودین<sup>5</sup> در بوسنی، سند تعهد و الزام مقامات مربوطه نسبت به حل ابعاد مختلف این موضوع، از جمله حقوق خانواده‌های گمشدگان بود. این قانون به همراه سایر قوانین امکان تاسیس موسسه‌ای برای افراد گمشده را جهت نظارت بر روند شفاف‌سازی سرنوشت افراد گمشده فراهم می‌کند.

در سایر موارد به مساله افراد گمشده از منظر گسترده‌تری پرداخته می‌شود، مانند کمیسیون آشتی و حقیقت‌یاب و نهادهای ملی حقوق بشر که به موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه هم می‌پردازند.

---

<sup>5</sup> قانون افراد گمشده، روزنامه رسمی بوسنی و هرزگوین 21 October 2004

صرف نظر از گستره صلاحیت آنها، هر فرد یا موسسه‌ای که با موضوع افراد گمشده سر و کار دارد، به طور اجتناب‌ناپذیری متقابلاً به اقدامات عدالت انتقالی نیز می‌پردازد و از آن تأثیر می‌گیرد، حتی اگر این کار تنها در گرو تبادل اطلاعات جمع‌آوری شده توسط هر طرف باشد.

مساله چنین تأثیر و تأثری زمانی حساستر می‌شود که دادگاههای بین‌المللی در عرصه داخلی که محل اجرای سازوکارهای اشخاص گمشده و عدالت انتقالی می‌باشد، دخالت می‌کنند. قسمت بعدی این مقاله مختصر، روشهایی را مد نظر دارد که در آنها ساز و کارهای عدالت انتقالی از انتظارات خانواده نسبت به احقاق حق آگاهی از سرنوشت بستگانشان حمایت می‌کند و چگونگی عملکرد جهت ایجاد سازگاری میان حل موضوع افراد گمشده با مبارزه موثر علیه بی‌کیفیری را روشن می‌کند.

### دادگاههای بین‌المللی در جهت حمایت از حق آگاهی

خانواده‌های قربانیان می‌توانند در مراحل مختلف رسیدگی‌های کیفری دخالت کرده و حق خود مبنی بر آگاهی از سرنوشت بستگانشان را اعمال نمایند.<sup>۶</sup> به عنوان مثال، مرحله تحقیق می‌تواند مجرای مناسبی برای خانواده‌های گمشدگان جهت کسب اطلاعات مربوطه باشد. مقامات مسئول بررسی و تحقیق، معمولاً از اختیارات گسترده خود که شامل قدرت اجرایی نیز هست، به منظور کسب اطلاعات و مدارک لازم برای مرحله محاکمه سود می‌برند. بستگان قربانیان باید سعی کنند که از این موقعیت استفاده کنند و اطمینان یابند که به مسئله مورد نظر آنها در طول تحقیقات به نحو شایسته‌ای رسیدگی می‌شود.<sup>۷</sup> به علاوه، هنگامیکه دادگاههای بین‌المللی به کشتارهای گسترده رسیدگی و راجع به آنها تحقیق می‌کنند، آغاز به نبش قبر در حد وسیع و کالبدشکافی اجساد می‌نمایند، تمامی این

<sup>۶</sup> پروتکل اول الحاقی، ماده ۳۲.

<sup>۷</sup> در این خصوص بنگرید به:

V.Nesiah, "overcoming tensions between family and Judicial procedures", International Review of the Red Cross, above note 1, pp. 824-826.

تلاشها باید در جهت رعایت هر چه بیشتر مصالح خانواده‌ها، صورت گیرد و در عین حال افراد مسئول چنین جنایاتی نیز به پیشگاه عدالت آورده شوند. نبش قبر می‌تواند آنچه را که به قربانیان چنین قتل‌هایی رفته است آشکار کند و به خانواده‌ها اطلاعاتی راجع به سرنوشت عزیزانشان بدهد. همچنین به خویشاوندان آنها امکان گرامی‌داشت متوفی را مطابق با آموزه‌های فرهنگی و مذهبی خودشان می‌دهد.<sup>۸</sup> متأسفانه دادگاه‌های بین‌المللی با کمبود منابع لازم برای تشخیص هویت اجساد، فراتر از الگوهای شناسایی متداول مواجهند. در تعدادی از پرونده‌ها نبش قبرها به وضعیت ناخوشایندی منجر شده است که در آنها اگر چه مرگ بر مبنای اهداف جنایی رخ داده، اما از آنجا که جریان شناسایی بسیار وقت‌گیر و نیازمند فناوریهای متعددی بوده است، جسد مجدداً دفن شده است. به این ترتیب، خانواده‌های متوفیان از پی بردن به سرنوشت بستگانشان و یا دریافت باقیمانده (اجساد) آنها محروم شدند. کار گروه‌های پزشکی قانونی و مسئولین کالبدشکافی که تلاش جهت شناسایی باقیمانده اجساد می‌باشد گاهی اوقات غیرممکن می‌شود.

در مرحله محاکمه، هر زمان که نظام قضایی اجازه دهد، خانواده‌های قربانیان باید در صدد آغاز رسیدگی یا وارد شدن در آن به عنوان طرف ثالث (که در کشورهای دارای قوانین مدنی تحت عنوان طرف‌های مدنی شناخته می‌شوند) و یا هر دو با هم باشند، و یا جزو شاکیان قرار گیرند. در این روش آنها می‌توانند دستیابی بیشتری به اطلاعات جمع‌آوری شده و کنترل بهتری بر آن از طریق ساز و کارهای قضایی داشته باشند که این امر به نوعی تسکین دهنده آنها نیز می‌باشد. حتی در نظام‌های قضایی که چنین اهلیت پویا و فعالی را برای (خانواده) قربانی به رسمیت نمی‌شناسند، باید قربانیان تشویق به مشارکت شوند، حتی اگر صرفاً شاهد محسوب شوند. هنگامیکه آنها از ادای شهادت به دلایل مربوط به امنیت فردی خود یا سایر اعضای خانواده‌شان یا بی‌آبرویی نزد افکار عمومی و جامعه می‌ترسند باید اقداماتی جهت حمایت از آنها صورت گیرد.

در سطح بین‌المللی، و در دو دیوان کیفری بین‌المللی ویژه برای رواندا (ICTR) و یوگسلاوی سابق (ICTY)، روش دوم برگزیده شد و به قربانیان، شامل بستگان افراد

---

<sup>۸</sup> بنگرید به

گمشده به جز مواردی که به عنوان شاهد در محاکمه شرکت می‌نمایند، آزادی عمل محدودی ارائه شده است. اما تغییر این شیوه کار با تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) صورت گرفت که به بیان دقیق‌تر امکان طرح دیدگاهها و نگرانیها از سوی قربانیان به طور مستقیم در تمام مراحل رسیدگی<sup>۹</sup> و درخواست خسارت توسط آنها را فراهم می‌کند.<sup>۱۰</sup>

زمانیکه دادگاههای بین‌المللی در یک منطقه یا کشور برای سالهای متمادی فعال بوده‌اند و تدریجاً تصمیم به پایان بخشیدن به کار خود می‌گیرند، مانند دادگاه رواندا (ICTR) و دادگاه یوگسلاوی سابق (ICTY)، بستگان افراد ناپدید شده، باید از بازمانده‌ی این ساز و کارها استفاده کنند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در رابطه با دیوان یوگسلاوی سابق، به اطلاعات جمع‌آوری شده توسط این دیوان دست یافت که مورد استفاده در محاکمه نبوده و یا به پرونده‌های مختومه مربوط می‌باشند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این اطلاعات را بررسی می‌کند و هر آنچه را که برای روشن ساختن سرنوشت افراد گمشده قابل استفاده باشد، به ویژه، آثار و نشانه‌هایی از محل باقیمانده اجساد آنها، لیست افرادی که مرده فرض شده‌اند، و مدارکی دال بر گورهای احتمالی را انتخاب می‌کند، و مشروط به رعایت قوانین محرمانه، این اطلاعات را با گروه کاری اشخاص گمشده در کوزوو و حتی‌المقدور با سایر ساز و کارهایی که به مساله گمشده‌ها در بالکان می‌پردازد در میان خواهد گذاشت. میلیون‌ها سند جمع‌آوری شده ابزاری بسیار پرارزش برای حمایت از تلاشهای خاص مربوط به روشن ساختن سرنوشت افرادی است که در ارتباط با مخاصمات مسلحانه‌ی منطقه‌ای مفقود شده‌اند. متأسفانه جستجوی مستمر و سیستماتیک از طریق پرونده‌های قضایی دیوان یوگسلاوی سابق برای کسب اطلاعات مکمل راجع به شناسایی قربانیان فوق‌العاده وقت‌گیر و بیهوده است چرا که پرونده‌ها عمدتاً با هدف تعقیب کیفری طبقه‌بندی و سازماندهی شده‌اند و نه به منظور تشخیص هویت.

هنوز هم محدودیتهای جدی نسبت به توانایی فرآیند کیفری جهت بررسی و پرداخت جامع به موضوع افراد مفقودالثر در نتیجه یک مخاصمه مسلحانه و سایر شرایط خشونت‌بار

---

<sup>۹</sup> اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ماده ۶۳ بند ۳.

<sup>۱۰</sup> همان، ماده ۷۵.

وجود دارد. این فرآیندها طراحی شده‌اند تا گناه‌کاری یا بی‌گناهی متهم را مشخص کنند و تحقیقات به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که پاسخگوی اهداف تعقیب باشند. مردم نیز در سطح ملی به دلیل ترس از اقدامات تلافی جویانه یا بی‌اعتمادی عمومی از نظام قضایی به ندرت خواهان تعقیب مسئولین می‌شوند. حتی در نظامی مانند آنچه که برای دیوان کیفری بین‌المللی تعبیه شده است، دخالت خانواده‌های قربانیان، معطوف به وضعیت خاصی است که در صلاحیت دادگاه می‌باشد. در این خصوص، اختلاف نظر اخیر قضات دیوان کیفری بین‌المللی و دادستان آن در خصوص ارائه تفسیری گسترده‌تر از مفهوم قربانی آموزنده می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

تنها زمان معین خواهد کرد که آیا پیوند قربانیان در نظامی که در وهله اول بر مجازات کیفری تمرکز دارد می‌تواند عمل کند و آیا خانواده‌های مفقودین می‌توانند در چنین جوی اطلاعاتی به دست آورند یا خیر.

کاملاً واضح است که اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق رسیدگی‌های کیفری، اگر چه ممکن است در اختیار قربانیان قرار گیرد، برای ایفای حق خانواده‌ها در مورد آگاهی از سرنوشت عزیزانشان به قدر کافی رضایتبخش نیست و چیزهای دیگری هم برای پاسخ به نیازهای آنان لازم می‌باشد، گرچه حق آنها برای آگاهی غالباً با اقدامات اتخاذ شده جهت تضمین مبارزه‌ی موثر علیه بی‌کیفری تناقض دارد.

### سازگاری فعالیت در خصوص مفقودین با مبارزه علیه بی‌کیفری

پیشرفت در پایان دادن به بی‌کیفری برای جنایات جنگی، با تاسیس دادگاه‌های بین‌المللی و نقش تا اندازه‌ای فعال دادگاه‌های داخلی و محلی، علی‌الاصول افزایش توجه و احترام به حقوق بشردوستانه و در مقابل کاهش شمار افراد گمشده را در پی خواهد داشت، چرا که بسیاری از این موارد در نتیجه‌ی نقض این موازین می‌باشند. برعکس به دلیل ترس افراد دارای اطلاعات مرتبط از تعقیب کیفری، «افزایش تهدیدات لاهه» و یا به طور کلی

---

<sup>۱۱</sup> بنگرید به حکم صادره توسط شعبه اول مرحله پیش از محاکمه به درخواست شش نفر جهت توانایی شرکت در دادرسی‌های مربوط به جمهوری دموکراتیک کنگو به عنوان قربانی. (صرفاً به زبان فرانسه قابل دسترسی می‌باشد).



وجود رسیدگی قضایی به عنوان خطری واقعی، اثر جانبی منفی بر کاهش نسبی در میزان کسب اطلاعات راجع به سرنوشت گمشدگان از طریق مجاری سنتی را داراست.<sup>۱۲</sup> بنابراین به یک موازنه دقیق میان شناسایی کلی راجع به اهمیت تعقیب جنایات جنگی و تلاش جهت ایجاد ابزاری کارآمد برای جمع‌آوری و گردآوری اطلاعات مربوط به افراد گمشده نیاز داریم. به عبارت دیگر چنین ساز و کارهایی نیازمند انگیزه‌های بیشتر و بالاتری برای مطلعین از سرنوشت گمشده‌ها می‌باشد تا زبان به اعتراض گشایند و با سکوتشان مانعی برای مبارزه با بی‌کیفری نباشند. هر چند که کار آسانی نیست. به طور نمونه در اکتبر ۲۰۰۵، مسئول گروه کاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کوزوو، اظهار داشت که شمار افراد گمشده نسبت به ۳۰۰۰ نفر در آغاز سال به ۲۵۵۷ نفر رسیده است. وی خاطر نشان ساخت که چنین پیشرفتی تا این لحظه، ناشی از فعالیتهای کالبدشکافی و پزشکی قانونی بوده است. وی همچنین جهت انجام دادن فعالیت‌های موثر و کارآمد توسط گروه کاری موارد ذیل را مورد توجه قرار داد «کسب اطلاعات از مراجع و منابع دیگر به خصوص تعیین سرنوشت افراد گم شده و تعیین محل گورهای شناسایی نشده» که باید برای گروه فراهم شوند تا بتواند پاسخگوی انتظارات فزاینده‌ی خانواده‌ها باشد.<sup>۱۳</sup>

تجارب عملی نشان می‌دهد که مقامات ملی (داخلی) ممکن است استراتژیهای مختلفی در رابطه با این موضوع اتخاذ کنند. در برخی موارد، آنها از ارائه کمک به فعالیتهای عمومی کسب اطلاعات راجع به گمشده‌ها و پرداختن به این موضوع دریغ نکرده‌اند، که ثابت می‌کند اراده‌ی سیاسی آنها بر حل مساله استوار بوده است.<sup>۱۴</sup> صلیب سرخ هر چند وقت یکبار اسامی افراد گمشده را بر روی سایت خود یا به شکل کاتالوگ یا کتاب، همراه با عکسهایی از

---

<sup>12</sup> هر دو نویسنده قبلاً این مطلب را با توجه به نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مبارزه با بی‌کیفری و نیاز به تضمین رسیدگی مطمئن به اطلاعات دریافتی از افراد درگیر در جنگ در صورت تمایل به حفظ منبع آن اطلاعات، متذکر شده‌اند

<sup>13</sup> See ICRC Press Releases, "Kosovo: Fourth meeting of Working Group on Missing Persons", 6 October 2005, and "Kosovo: ICRC calls for greater commitment to resolve issues of missing persons", 31 May 2006.

<sup>14</sup> پرو، شیلی و موناکو ممکن است در این رابطه احضار شوند.

وسایل شخصی پیدا شده همراه با جسد این افراد منتشر می‌کند، که متعاقباً توسط مقامات مربوطه و در خلال تلاشهای آنان جهت روشن ساختن سرنوشت مفقودین مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱۵</sup> در یک نمونه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، با رضایت خانواده‌های مربوط، اطلاعات مقدماتی و اولیه در مورد بیش از ۴۰۰ پرونده را به کمیسیون آشتی و حقیقت‌یاب ارائه داد که در هیچ پایگاه اطلاعاتی منتشر نشد.<sup>۱۶</sup>

در سایر موارد، وسایل مختلفی برای تبادل اطلاعات راجع به اشخاص گمشده فراهم شده است، از قبیل: خطوط تلفن، درخواستهای اینترنتی و کامپیوتری و مراکز قابل دسترسی و قابل استفاده. گاهی اوقات، اطلاعات بی‌نام و نشان و گمنام نیز پذیرفته می‌شوند و شخص تهیه کننده این اطلاعات نیز به هیچ مرجع تعقیبی ارجاع نمی‌شود و یا در معرض اتهامی قرار نمی‌گیرد، به رغم اینکه صحت اطلاعات جمع‌آوری شده از این طریق می‌تواند مورد سوال قرار گیرد. در عرصه‌ی داخلی کرواسی تخمین زده شد که ۱۰٪ از اطلاعاتی که از اشخاص گمنام دریافت شد، می‌توانست مرتبط و قابل استفاده در جستجوی افراد گمشده باشد. در راستای ارتقای محیطی که منجر به تبادل اطلاعات شود، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ موافقت کرده است که در زمانهای معلوم و مشخص، با رضایت همه طرفها، به عنوان دریافت کننده اطلاعات از افراد مربوط عمل کند. سپس این اطلاعات بر اساس مبانی موثق کنترل خواهد شد که به معنی حذف تمام اطلاعات تشخیص هویت، قبل از انتقال به مقامات خواهد بود.

مقامات مسوول همچنین ممکن است تمایل داشته باشند که تلاش برای ردیابی گمشدگان با تعقیب کیفری ارتباط داده شود، و برای اینکار ارائه هر گونه اطلاعات مربوط جهت روشن شدن سرنوشت گمشدگان را به مثابه‌ی عاملی تسکین‌دهنده در نظر می‌گیرند، و یا برای موارد عدم همکاری مجازات در نظر گرفته می‌شود. چنین ارتباطی می‌تواند با مراحل

---

<sup>15</sup> جمهوری صربستان، بوسنی و آنکولا، لیبیریا، سیرالئون و مونتنگرو را با توجه به جستجو برای کودکان جدا شده از خانواده‌ها و یا بستگانشان در ارتباط با مخاصمات مسلحانه‌ی مزبور، می‌توان یادآور شد.

<sup>16</sup> پرو. مشارکت در تدوین و تنظیم فهرستی از تجارب، در جستجوی افراد بودن کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و تهیه لیستی از ناپدیدشدگان.

تحقیق و بازرسی نیز که در سطح ملی ایجاد شده، برقرار شود، که تهیه و تدارک اطلاعات مربوط به گمشدگان می‌تواند به عنوان عامل مثبتی در شیوه ارزیابی مدنظر قرار گیرد.

در پایان، اگر چه مواردی برای اعطای عفو<sup>۱۷</sup> و یا مصونیت از تعقیب کیفری به طور محدود، توأم با اشکال جایگزین عدالت، استفاده و پیش‌بینی شد، اما این رویکرد، در عین حال سوالات بسیاری را در مورد انطباق آن با الزامات حقوق بشردوستانه، برانگیخت. اقداماتی که بتوانند به گونه‌ای تعبیر شوند تا مجرمین جنگی بتوانند از زیر بار مجازات شانه خالی کنند، به طور حتم در چارچوب لازم قرار نخواهند گرفت. همچنین است مواردی که تعقیب، رسیدگی و مجازات مظنونین به ارتکاب جنایات جنگی مطابق با قواعد تعهد آوری برای دولتها نباشد.<sup>۱۸</sup> به علاوه اعطای عفو در سطح داخلی موجب حمایت از فردی که در معرض تعقیب بین‌المللی می‌باشد، نمی‌شود. اگر عفو در موارد نقض تعهدات بین‌المللی اعطا شود، احتمالاً مطابق با مقررات، مورد قبول حقوق بین‌الملل قرار نخواهد گرفت و با بی‌اعتنایی دادگاههای بین‌المللی مواجه خواهد شد.<sup>۱۹</sup> در تمامی این موارد مشارکتهای خانوادگی، اگر وجود داشته باشند، باید مدنظر قرار گیرند. خانواده‌ها نه تنها در اقدامات صورت گرفته برای روشن شدن سرنوشت وابستگان‌شان ذینفع می‌باشند، بلکه در تضمین اینکه مسئولان به عنوان یک کل و هر یک از اجزاء و بخشهای مربوطه، وظیفه و تعهدات خاص خود را انجام دهند، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

شفاف‌سازی سرنوشت اشخاص مفقودالاثر در نتیجه یک مخاصمه مسلحانه یا موقعیتهای خشونت‌بار دیگر مسئله مهمی است که باید در تلاشهای چند بعدی و چند

---

<sup>۱۷</sup> عفو، جرم را منتفی می‌کند. به طور دقیق‌تر، اثر قانون عفو به این نحو می‌باشد:

الف) مقامات تعقیب و شاکیان، حق یا قدرت آغاز تحقیقات یا رسیدگیهای کیفری را از دست می‌دهند؛

ب) تمام مجازاتهای مقرر شده برای جرم، کاملاً از بین می‌روند

<sup>۱۸</sup> حتی ماده ۶ بند ۵ پروتکل دوم الحاقی که راجع به عفو می‌باشد، شامل عفو برای جنایتهای جنگی نمی‌باشد.

<sup>۱۹</sup> ICTY, Furunzija, Case No. IT-95-17/1 Judgment, 10 December 1998, para. 155.

جانبه در جوامع در حال انتقال و تحول، مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. هنگامیکه صلح یا سایر روشهای مسالمت‌آمیز حل اختلاف مورد بحث قرار می‌گیرند، طرفها در تلاشهای خود به اندازه توجهی که به سایر موضوعات می‌شود، آنها را نیز مدنظر قرار دهند تا بتوانند گذشته خود را جبران کنند. موضوعاتی مانند پناهندگان و افراد بی‌خانمان، دارایی و مالکیت، حقوق بشر و حل و فصل تعارضات، گشودن گورهای دسته‌جمعی، شناسایی اجساد، تعیین شرایط منجر به مرگ آنها و روشن ساختن حقایق که همگی مراحل ضروری برای سه دسته زیر می‌باشند: برای خانواده‌ها که سوگواری خود را کامل کنند، برای قربانیان جهت اخذ غرامت و در بلندمدت برای مردم و جوامع که با گذشته خود کنار آمده و به سمت صلح پیش روند.

برای پرداختن به موضوع افراد گمشده به گونه‌ای مناسب و شایسته، باید نهادها و موسسات درگیر در عدالت انتقالی برای همکاری در این زمینه تلاش کنند. دادگاههای بین‌المللی ویژه‌ی این کار یا کمیسیون‌های آشتی و حقیقت‌یاب، با عمری محدود، باید از آغاز کار، ابزار و روشهای جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات و مدارک را ارائه دهند که می‌تواند سریعاً مورد بهره‌برداری در رسیدگیهای قضایی و تلاش جهت ردیابی افراد گمشده قرار گیرد. آنها باید جهت انجام شدن عملی و موثر مراحل انحصار وراثت، به محض اتمام کار، اجازه‌ی استفاده از آرشیو خود را به ویژه به خانواده‌ها و نمایندگان آنها داده و آنها را برایشان قابل دسترس نمایند. همینطور فعالیتهای کالبدشکافی به کار رفته توسط دادگاههای بین‌المللی نه تنها با جمع‌آوری مدارک برای تعقیب کیفری موردنظر، بلکه با یافتن پاسخ برای خانواده‌های افراد گمشده باید صورت گیرد. در پایان، مقامات ملی، در راه حل مشکل افراد گمشده باید از طریق ظرفیت سازی مورد حمایت و تشویق قرار گیرند تا فعالیت‌هایشان بر مقتضیات حقوق بین‌المللی بشردوستانه منطبق باشد. صرفاً آن زمان می‌توان امید داشت که خانواده‌ها نهایتاً حق آگاهی از سرنوشت بستگان گمشده را احراز نموده و غرامت مناسبی دریافت کنند.